

نویسندگان :
محمد کاویانی
عاطفه تقی زاده
آرزو شب انگیز

مواد ۱۰۵ تا ۱۳۹ ق جزا

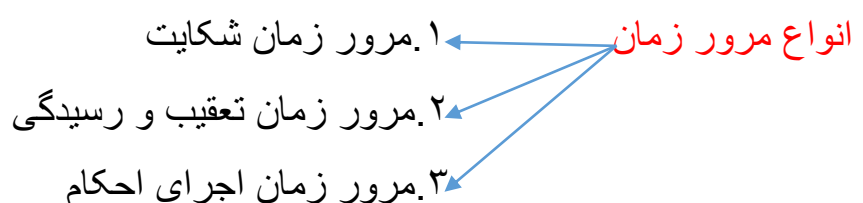
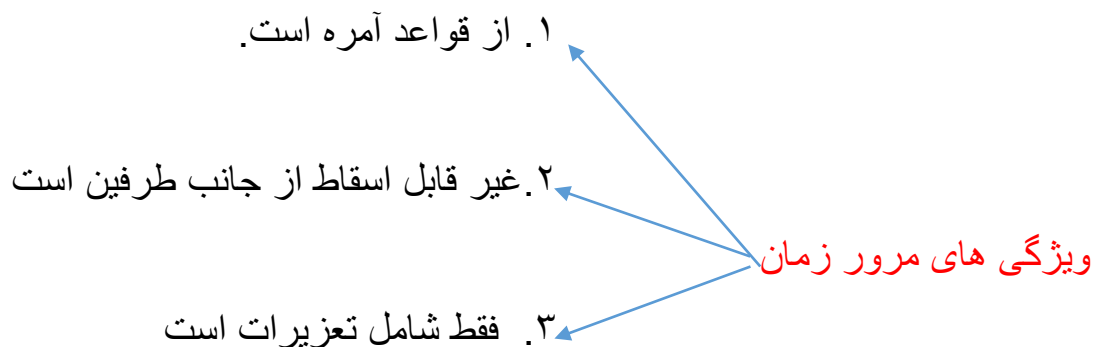
درس نامه

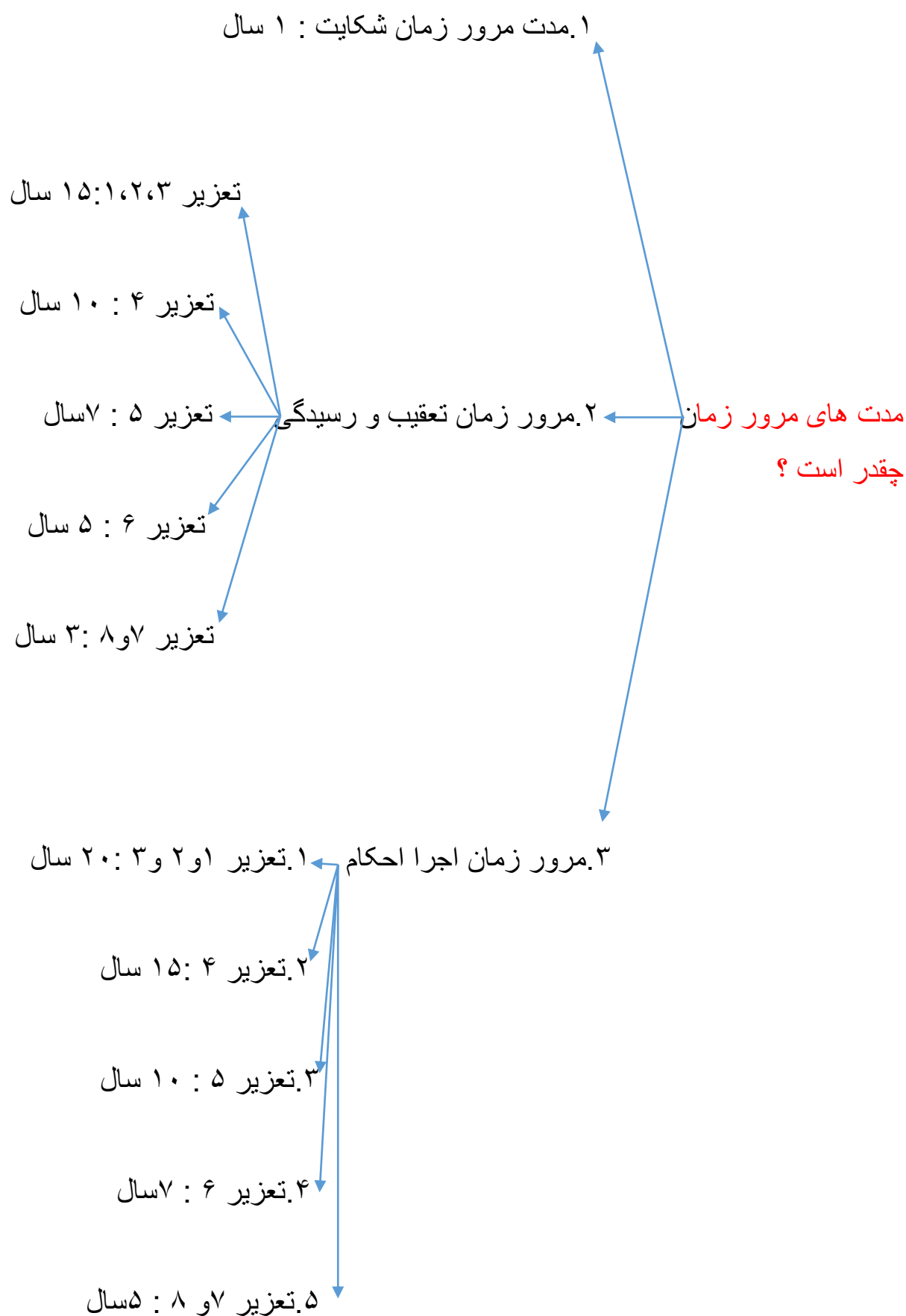
مرور زمان

چهارمین مورد سقوط مجازات ، مرور زمان کیفری است.

تعریف : یعنی مدت زمان قانونی که اگر سپری شود دیگر جرم قابل تعقیب و رسیدگی نبوده یا مجازات قابل اجرا نمی باشد. مثلاً چون ۱۰ سال پیش در خانه ی ما سرقتی صورت گرفته و تعقیب آن هنوز شروع نشده است ، این جرم رخ داده اتوماتیک وار وارد مبحث مرور زمان شده و دیگر هیچ وقت قابل تعقیب نیست.

نکته مهم : در حقوق ایران ، مبحث مرور زمان فقط در تعزیرات پذیرفته شده است و شامل تعزیرات منصوص شرعی و حدود و قصاص و دیات نمیشود.





توضیح انواع مرور زمان :

مرور زمان شکایت

یعنی آن مدت قانونی که اگر سپری شود ، دیگر حتی حق شکایت وجود ندارد.

نکته : فقط در جرایم قابل گذشت مطرح میشود.

نکته : مدت آن یکسال از زمان اطلاع (نه زمان وقوع) از جرم است. مثال ، من امروز به حسن توهین کردم ، دو هفته بعد حسن مطلع شد ، حسن از همان روز اطلاع ، یکسال حق دارد از من شکایت کند و اگر نکرد توهین من شامل مرور زمان می شود.

استثنا : گاهی **مدت یکسال بیشتر** می شود در موارد زیر :

شاکای در مدت یکسال از اطلاع از جرم شکایت نکرده چون :

۱. تحت سلطه ی مرتکب بوده یا ۲. به دلیل مانع خارجی نتوانسته شکایت کند.

مثال : حسن در تاریخ ۱،۲،۹۱ متوجه شد کارفرمایش به او توهین کرده است . او طبق قاعده تا تاریخ ۱،۲،۹۲ حق شکایت کیفری دارد ، اما چون تحت سلطه کارفرما بوده و ترس از اخراج داشته این مدت طبق استثنا بیشتر می شود.

نکته : در این حالت استثنا مبدا مرور زمان از چه زمانی است ؟

مبدا مرور زمان از تاریخ رفع مانع خارجی شروع می شود یا از زمانی که مرتکب از تحت سلطه مرتکب خارج شد.

نکته : وراثت زمانی حق شکایت دارند که ۲ شرط وجود داشته باشد :

۱. عمل مرتکب شامل مرور زمان نشود (هیچکدام از مرور زمان ها)

۲. دلیلی مبنی بر انصراف خود متوفی از شکایت وجود نداشته باشد .

با جمع این دو شرط ، وراثت طبق قانون ، از تاریخ فوت مورث ، تا ۶ ماه حق شکایت دارند.

یعنی آن مدت زمان قانونی که اگر سپری شود و اقدام تحقیقی و تعقیبی آغاز نشود یا بعد از آخرین اقدام تعقیبی و تحقیقی حکم صادر نشود ، عمل مشمول مرور زمان شده و مجازاتش ساقط می شود.

نکته : مدت های مرور زمان تعقیب و رسیدگی را گفتیم.

مبدأ شروع مرور زمان تعقیب و رسیدگی :

۱. مرور زمان **تعقیب** : مدت های مذکور **از زمان وقوع جرم** محاسبه می شود. یعنی از زمان وقوع جرم ، چند سال تعقیبی صورت نگرفته باشد.

پس در جرم آنی : از روز ارتکاب ، مرور زمان تعقیب شروع میشود
پس در جرم مستمر : از لحظه قطع استمرار ، مرور زمان تعقیب شروع میشود
پس در جرم به عادت : از تاریخ آخرین عمل ، مرور زمان تعقیب شروع میشود
پس در جرم مرکب : از تحقق آخرین جز جرم ، مرور زمان تعقیب شروع میشود

۲. مرور زمان **صدور حکم** : مدت های مذکور **از زمان آخرین اقدام تعقیبی** محاسبه می شود. یعنی از زمان آخرین اقدام تعقیبی ، چند سال حکمی صادر نشده باشد.

اقدام تحقیقی و تعقیبی چیست : اقدامی که مقام قضایی در اجرای یک وظیفه قانونی مثل جلب و احضار و بازجویی و استماع اظهارات شهود و مطلعان و تحقیقات و معاینه محلی و نیابت قضایی انجام می دهد.

سوال ، در مواردی که در دادگاه کیفری قرار اناطه صادر میشود ، مرور زمان تعقیب از چه زمانی شروع می شود ؟ در اینجا مبدأ مرور زمان از تاریخ قطعیت رای مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است شروع می شود....

مثال ، زنی به اتهام ترک نفقه از شوهرش شکایت کیفری میکند ، شوهر در دادگاه کیفری حاضر شده و می گوید بین ما علقه ی نکاح وجود ندارد ، دادگاه پرونده را به

شعبه حقوقی می فرستند. مرور زمان جرم ترک نفقه از زمانی شروع می شود که حکم دادگاه حقوقی قطعی شده باشد.

مرور زمان اجرای احکام

یعنی مدت زمان قانونی که اگر سپری شود و حکم قطعی صادر شده ، اجرا نگردد ، دیگر آن حکم قطعی صادر شده اجرا نمیگردد.

نکته : مبدا شروع مرور زمان : زمان قطعیت حکم.

نکته : اگر مجازات را اجرا کردیم ولی وسط اجرا ، قطع شد ، شروع مرور زمان ، از زمان قطع اجرای مجازات می باشد.

نکته : اگر مجازات را اجرا کردیم ، ولی چند بار وسطش قطع شد ، شروع مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع است.

نکته مهم : رفتار عمدی محکوم در قطع باعث اعمال مرور زمان نمی شود.

نکته : اگر اجرای یک مجازاتی باعث عدم اجرای مجازات دیگر باشد ، باعث شروع مرور زمان برای مجازاتی که هنوز شروع نشده نمی شود.

نکته : اگر جرمی را تعلیق کردیم یا به حبسی آزادی مشروط دادیم ، اما بعد آن را لغو کردیم ، مبدا مرور زمان از تاریخ لغو می باشد.

نکته : چون مرور زمان در خصوص جرم است نه مجرم ، پس اگر مرور زمان مشمول شریکی یا معاونی شد ، شامل سایر شرکا و معاونان نیز می شود.

پس اگر مرور زمان شامل شریک یا معاونی نشد ، شامل سایر شرکا و معاونان نیز نمی شود.

نکته : مرور زمان مانع از درخواست مدعی خصوص نمی شود.

جرائم تعزیری که به هیچ وجه شامل مرور زمان نمی شوند :

۱. جرائم علیه امنیت (چه داخلی . چه خارجی)

۲. جرایم موضوع قانون مواد مخدر

۳. جرایم اقتصادی ← ۱. کلاهبرداری ← فقط بیش از یک میلیارد ریال شامل
مرور زمان نمیشود (نه خود یک میلیارد)
۲. سایر جرایم اقتصادی : هم یک میلیارد ریال و هم بیشتر آن
شامل مرور زمان نمی شود.

نکته : پس کلاهبرداری به مبلغ یک میلیارد ریال شامل مرور زمان می شود.

توضیح مواد قانونی راجع به مرور زمان

ماده ۱۰۵_ مرور زمان، تعقیب جرائم موجب تعزیر را در صورتی که از تاریخ وقوع جرم تا انقضاء مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضاء این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نشده باشد موقوف می کند:

(الف) جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضاء پانزده سال،

(ب) جرائم تعزیری درجه چهار با انقضاء ده سال،

(ج) جرائم تعزیری درجه پنج با انقضاء هفت سال،

(د) جرائم تعزیری درجه شش با انقضاء پنج سال،

(ه) جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضاء سه سال.

تبصره ۱_ اقدام تعقیبی یا تحقیقی اقدامی است که مقامات قضائی در اجراء يك وظیفه قانونی از قبیل جلب، احضار، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعین، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضائی انجام می دهند. تبصره ۲_ در مورد صدور قرار اناطه، مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است، شروع می شود.

نکات :

۱. ماده ۱۰۵ بیانگر مرور زمان تعقیب و صدور حکم است

۲. این ماده تنها شامل تعزیرات می باشد و شامل تعزیرات منصوص شرعی نیست.

۳. مرور زمان تعقیب به مرحله قبل از شکایت و رسیدگی مربوط می شود یعنی از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مهلت قانونی که مرور زمان حاصل می شود تعقیبی صورت نگیرد.

۴. مرور زمان صدور حکم زمانی مطرح می شود که از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی و تحقیقی تا انقضای مهلت زمانی که برای مرور زمان لازم است درباره ی موضوع ، حکم قطعی صادر نشود.

ماده ۱۰۶_ در جرائم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت يك سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می شود، مگر این که تحت سلطه متهم بوده یا به دلیل خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع خواهد بود. هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور فوت کند و دلیل بر صرف نظر کردن وی از طرح شکایت نباشد هر يك از ورثه وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات حق شکایت خواهند داشت.

تبصره_ جز در مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی خواهد شد که جرم موضوع شکایت برابر ماده قبل مشمول مرور زمان نشده باشد.

نکات :

۱. ماده به مرور زمان شکایت اشاره دارد و مبدا شروع آن یکسال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم است (نه زمان ارتکاب جرم) ، مشروط بر اینکه بزهدیده تحت سلطه متهم نباشد یا به دلیل مانع خارجی ناتوان از شکایت نباشد که در این صورت مهلت یکساله از تاریخ رفع مانع محاسبه می شود.

با این حال به موجب حکم تبصره این ماده در موارد قوه قهریه ، در صورتی به شکایت شخص یا ورثه ی او رسیدگی می شود که جرم موضوع شکایت طبق ماده ۱۰۵ این

قانون مشمول مرور زمان نشده باشد ولی در مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده ، در هر صورت مبدا مرور زمان یک ساله از تاریخ رفع مانع محاسبه می شود.

۲. تنها در فرض وجود شاکی تحت سلطه متهم ، مرور زمان شکایتبر مرور زمان ماده ۱۰۵ (تعقیب و صدور حکم)اولویت دارد.

۳. در صورت فوت بزهدیده ، مبدا مرور زمان ۶ماه از زمان فوت وی برای ورثه خواهد بود.

۴. به عبارت (دلیلی بر صرف نظر وی از طرح شکایت نباشد) توجه داشته باشید.

، مرور زمان از تاریخ انقضاء آن مدت یا رفع مانع محاسبه می شود.

ماده ۱۰۷ _ مرور زمان، اجراء احكام قطعي تعزيري را موقوف مي كند و مدت آن از تاريخ قطعيت حكم به قرار زیر است:

(الف) جرائم تعزيري درجه يك تا سه با انقضاء بيست سال،

(ب) جرائم تعزيري درجه چهار با انقضاء پانزده سال،

(ج) جرائم تعزيري درجه پنج با انقضاء ده سال،

(د) جرائم تعزيري درجه شش با انقضاء هفت سال،

(ه) جرائم تعزيري درجه هفت و هشت با انقضاء پنج سال،

تبصره ۱ _ اگر اجراء تمام یا بقیه مجازات موكول به گذشتن مدت یا رفع مانعي باشد، مرور زمان از تاريخ انقضاء آن مدت یا رفع مانع محاسبه می شود.

تبصره ۲ _ مرور زمان اجراء احكام دادگاههاي خارج از کشور نسبت به اتباع ايراني در حدود مقررات و موافقتنامه هاي قانوني مشمول مقررات اين ماده است.

نکات :

۱. این ماده به مرور زمان اجرای حکم مجازات اشاره دارد. بدین معنی که در صورت قطعی شدن حکم ، تا انقضای مهلت مقرر قانونی که برای مرور زمان لازم است ، حکم اجرا نشده باشد ، در این صورت اجرای حکم متوقف می ماند (مختص تعزیرات)

۲. مرور زمان اجرای احكام دادگاههای خارجی نیز توسط مقنن پذیرفته شده است . در همین راستا به ماده ۹۷۲ مدنی رجوع کنید.

۳. مدت مرور زمان اجرای حکم بیشتر از مدت مرور زمان تعقیب و صدور حکم است.
۴. مرور زمان اجرای حکم یا نسبت به اجرای تمام مجازات است یا نسبت به اجرای قسمتی از مجازات.

ماده ۱۰۸_ هرگاه اجراء مجازات شروع ولي به هر علت قطع شود، تاريخ شروع مرور زمان، تاريخ قطع اجراء مجازات است و در مواردی که بیش از یک نوبت قطع شود شروع مرور زمان از تاريخ آخرين انقطاع است، مگر این که اجراء مجازات بر اثر رفتار عمدي محکوم قطع شده باشد که در این صورت مرور زمان جریان نمی یابد.

نکات :

۱. تاريخ قطع اجرای مجازات ملاک مبدا شروع مرور زمان اجرای حکم است ، با این حال در صورتی که اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدي (نه هر رفتاری) قطع شده باشد ، در این صورت مرور زمان جریان نمی یابد.
۲. در صورتی که دفعات متعدد قطع شده باشد ، مبدا مرور زمان آخرين انقطاع است.

ماده ۱۰۹_ جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجراء مجازات نخواهد شد:

- ۱_ جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور،
- ۲_ جرائم اقتصادي (کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۵) این قانون)،
- ۳_ جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر.

نکات :

۱. کلاهبرداری با مبلغ یک میلیارد ریال شامل مرور زمان می شود. ولی بیش از آن شامل مرور زمان نمی شود.
۲. سایر جرائم اقتصادی چه با مبلغ یک میلیارد ریال چه بیشتر شامل مرور زمان نمیشود.

ماده ۱۱۰_ هرگاه نسبت به یک شخص به موجب حکم یا احکامی محکومیتهاي قطعي متعدد صادر شود، شروع به اجراء هر یک از محکومیتها، نسبت به دیگر محکومیتها قاطع مرور زمان خواهد بود.

نکات :

۱. فرقی نمی کند که محکومیت های قطعی متعدد همگی در یک حکم واحد درج شده باشند یا اینکه هر یک در حکم جداگانه ای درج شده باشند.
۲. مقصود ماده فوق آن است که با شروع اجرا یکی از مجازات های متعدد علیه محکوم علیه ، برای مابقی مجازات ها نیز مرور زمان ساقط خواهد شد.

ماده ۱۱۱_ در موارد تعلیق اجراء مجازات یا اعطاء آزادی مشروط، در صورت لغو قرار تعلیق یا حکم آزادی مشروط، مبدأ مرور زمان، تاریخ لغو قرار یا حکم خواهد بود.

نکات :

در صورت لغو قرار تعلیق اجرای مجازات یا حکم آزادی مشروط ، مبدأ مرور زمان اجرای مجازات ، تاریخ لغو قرار یا حکم آزادی مشروط خواهد بود.

ماده ۱۱۲_ قطع مرور زمان مطلق است و نسبت به کلیه شرکاء ع و معاونان اعم از آنکه تعقیب شده یا نشده باشند، اعمال می شود، هر چند تعقیب تنها نسبت به یکی از آنها شروع شده باشد. همچنین شروع به اجراء حکم نسبت به برخی از شرکاء ع یا معاونان جرم قاطع مرور زمان نسبت به دیگر محکومان خواهد بود.

نکات :

ماده ۱۱۱ تعدد حکم و ماده فوق تعدد محکوم را در خصوص اعمال مرور زمان مقرر می دارد. در هر دو مورد ، مرور زمان نسبت به یک محکوم و حکم به سایر افراد و محکومیت ها سرایت خواهد کرد و موجب قطع مرور زمان خواهد شد.

ماده ۱۱۲_ موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجراء مجازات، مانع از استیفاء حقوق مدعی خصوصی نیست و متضرر از جرم می تواند دعوی خصوصی را در مرجع صالح اقامه نماید.

درس نامه

توبه

پنجمین مورد از موارد سقوط مجازات ها ، توبه است.
توبه را در دو مبحث حدود و تعزیرات بحث می کنیم.

توبه در حدود

قاعده توبه در حدود چیست ← ۱. توبه قبل از اثبات جرم باعث سقوط مجازات میشود.

۲. توبه بعد از اثبات جرم باعث سقوط مجازات نمیشود.

استثنای این مورد : توبه در جرمی باشد که ان جرم

اثباتش با اقرار مجرم بوده که اینجا مقام قضایی

می تواند از طریق رییس قوه قضاییه تقاضای عفو از

رهبری کند.

نکته مهم : دو جرم محاربه و قذف از شمول این قاعده خارج هستند یعنی اگر مجرم قبل
اثبات جرم توبه کند باعث سقوط مجازات نمی شود.

در مورد محاربه طبق آیه قرآن حکم خاص وجود دارد :

در محاربه ← توبه قبل از دستگیری (نه اثبات) باعث سقوط مجازات می شود .

→ توبه بعد از دستگیری باعث سقوط مجازات نمی شود (تائیری ندارد)

در مورد قذف هم چون جنبه خصوصی دارد هیچ وقت توبه موثر نیست.

نکته : در مورد زنا و لواط ، دقیقاً به قاعده اصلی رجوع می کنیم یعنی اگر مرتکب قبل اثبات جرمش توبه کند توبه از او ساقط می شود و اگر بعد از اثبات جرمش توبه کند توبه او اثری ندارد.

نکته مهممممم : حال قانون جدید گفته اگر جرم زنا و لواط واقع شد در حالیکه با اغفال یا اکراه یا عنف بوده است و مرتکب قبل اثبات توبه کرد ، حد از او ساقط می شود اما به جای حد قانون او را تعزیر می کند.

نکته : توبه تاثیر زیادی در قصاص و دیه ندارد.

نکته : توبه باید با دلیل و مدرک نزد قاضی صادر کننده رای احراز شود.
تظاهر به توبه باعث لغو تخفیف اعمال شده می شود.

توبه در تعزیرات :

توبه در تعزیرات ۶ و ۷ و ۸ باعث سقوط مجازات می شود.

توبه در سایر درجات تعزیرات باعث سقوط نیست اما مقام قضایی اختیار تخفیف دارد.

نکته : تکرار در جرایم تعزیری مانع پذیرش توبه است.

نکته : تعزیرات منصوص شرعی با توبه قابل اسقاط نیست.

نکته : تظاهر به توبه باعث لغو مجازات اعمال شده یا مجازات ساقط شده می شود اما در تعزیرات باعث تعیین حداکثر مجازات تعزیری میشود.

نکته : توبه باید توسط قاضی احراز شود.

نکته : مرتکب می تواند دلایل و مدارک خود را تا قبل از قطعیت حکم به دادسرا یا دادگاه ارائه دهد.

نکته : اگر دادستان مخالف بود با سقوط یا تخفیف مجازات توسط توبه ، می تواند به مراجع تجدید نظر شکایت کند.

نکته : مهلت ارائه توبه : قبل از قطعیت حکم

نکته : توبه در سرقت حدی حین اجرای حبس ابد ، با مصلحت اندیشی رهبری و عفو ، مرتکب را می توانند از حبس آزاد کنند.

توضیح مواد قانونی توبه

ماده ۴۱۱_ در جرائم موجب حد به استثناء قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. همچنین اگر جرائم فوق با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را به وسیله رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.

تبصره ۱_ توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد خواهد بود.

تبصره ۲_ در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه دیده انجام شده باشد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات، به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها محکوم خواهد شد.

نکات :

۱. توبه عبارت است از بازگشت از گناه و پشیمان شدن از نافرمانی خدا
۲. احراز تحقق توبه با قاضی است و تفاوت نمی‌کند ابراز توبه نزد قاضی باشد یا نباشد.
۳. در جرایم حدی اصل بر آن است که هرگاه متهم قبل از اثبات جرم توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود ، حد از او ساقط می‌گردد.
۴. قذف و محاربه استثنای از این قاعده هستند و در محاربه معیار سقوط حد ، دستگیری مرتکب است.
۵. در جرم حدی جز قذف ، در صورتی که جرم با اقرار ثابت شده باشد دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری تقاضا کند.

۶. اگر مرتکب به عنف ، اکراه یا اغفال مرتکب زنا یا لواط شود در صورت پذیرش توبه و سقوط مجازات حدی ، به حبس یا شلاق تعزیری درجه ۶ و یا هر دو مجازات محکوم می شود.

ماده ۱۱۵ _ در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می شود. در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.

تبصره ۱ _ مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می شود، جاری نمی گردد.

تبصره ۲ _ اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (۲) ماده (۷) و بندهای (۱) و (۲) ماده (۸) و مواد (۲۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۴)، (۴۵)، (۹۱)، (۹۲) و (۱۰۴) شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی شود.

نکات :

۱. در تعزیرات ۶ و ۷ و ۸ در صورتی که قاضی ندامت و اصلاح مرتکب را احراز کند مجازات ساقط می شود و در سایر تعزیرات قاضی می تواند مقررات راجع به تخفیف را اعمال کند.
۲. در رابطه با این ماده به نظر می رسد در صورت احراز توبه مرتکب چه قبل از اثبات جرم چه پس از آن باشد چه جرم با اقرار ثابت شده باشد چه با سایر ادله ، حسب مورد مجازات ساقط می شود یا قاضی دادگاه می تواند مقررات راجع به تخفیف را اعمال کند.
۳. مقررات توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرم تعزیری بر آنها اعمال می شود جاری نمی گردد.

ماده ۱۱۶ _ دیه، قصاص و حد قذف و محاربه با توبه ساقط نمی گردد.

نکات :

۱. توبه در جرایم حق الهی و تحت شرایطی موجب سقوط مجازات می شود بنابراین در جرایم حق الناسی و آنجا که حقوق شاکی خصوصی در میان است قابل اعمال نیست و دیات و قصاص و قذف همگی واجد این ویژگی هستند.
۲. درست است که قانونگذار در این ماده گفته که حد محاربه با توبه ساقط نمی شود ولی باید دقت داشت که به موجب تبصره ۱ ماده ۱۱۴ توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط او موجب سقوط حد است. به علاوه در صورتی که جرم محاربه با اقرار ثابت شده باشد در صورت توبه مرتکب پس از اثبات جرم ، دادگاه می تواند عفو مجرم را توسط رییس قوه قضاییه از مقام رهبری بخواهد.

ماده ۱۱۷ _ در مواردی که توبه مرتکب موجب سقوط یا تخفیف مجازات می گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفا نمی شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی شده و مجازات اجراء می گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می شود.

نکات :

۱. توبه نیازمند حالت روحی و روانی است بنابراین قاضی نباید به صرف جاری شدن لفظ توبه به زبان مرتکب حکم به سقوط مجازات دهد.
۲. احراز توبه و اصلاح و مرتکب شامل همه ی مجازات هایی می گردد که توبه در آنها موثر است.

ماده ۱۱۸ _ متهم می تواند تا قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید.

نکات :

۱. مهلت ارائه مدارک توبه : قبل قطعیت حکم

۲. مقامی که باید مدارک را به او بدهیم : دادگاه یا دادسرا

ماده ۱۱۹ _ چنانچه دادستان مخالف سقوط یا تخفیف مجازات باشد، می‌تواند به مرجع تجدیدنظر اعتراض کند.

نکته : اعتراض دادستان مانع سقوط یا تخفیف مجازات نیست.

ششمین مورد از موارد ساقط کننده مجازات کیفری اعمال قاعده درا می باشد.
 نکته : مهمترین دلیل اعمال قاعده درا حدیث نبوی (تدرا الحدود بالشبهات) می باشد.
 نکته : قانون قاعده درا را در همه جرم های مستوجب حدود و قصاص و تعزیرات و دیات پذیرفته است.

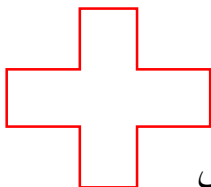
قاعده درا در حدود : همین که شبهه و تردید کنیم در ۱. وقوع جرم
 ۲. شرایط وقوع جرم
 ۳. شرایط مسئولیت کیفری

حد ساقط می شود جز در ۴ جرم ۱. محاربه
 ۲. افساد فی الارض
 ۳. سرقت
 ۴. قذف

نکته : در شبهه در حدود به دنبال دلیل نمیگردیم و به صرف ایجاد شبهه ، حد ساقط می شود.

قاعده درا در تعزیرات : هرگاه ۱. شبهه و تردید کنیم در ۱. وقوع جرم
 ۲. شرایط وقوع جرم
 ۳. شرایط مسئولیت کیفری

و ۲. دنبال دلیل گشتیم و پیدا نکردیم (برعکس حدود که دلیل نمی خواهد) ، با اعمال قاعده درا باعث سقوط مجازات می شود.



ماده ۱۲۰_ هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفي آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نخواهد شد.

نکات :

۱. مهم ترین دلیل اعمال قاعده در ، حدیث نبوی تدرا الحدود بالشبهات است.
۲. قاعده در عام است و به دلیل عموم (الحدود) قصاص و تعزیرات را نیز در بر می گیرد. از سوی دیگر استفاده از لفظ مطلق جرم بدون آنکه مخصصی بدان زده شده باشد ، ما را بدین تفسیر رهنمون می کند.
۳. حصول شبهه در شروط تحقق سرقت موجب حد ، می تواند موجب منتفی شدن حد قطع دست و گاهی تبدیل سرقت حدی به سرقت تعزیری شود البته به شرط آنکه اصل سرقت با اقرار یا شهادت شهود به اثبات رسیده باشد. در همین حال ، حصول شبهه برای مقام قضایی در تحقق ارکان سرقت یا شبهه برای متهم از لحاظ مالکیت مال مسروق و یا ماذون بودن متصرف مال از سوی مالک، صدور حکم حد قطع دست و حتی تعزیر را منتفی می کند.
۴. مطابق ماده ، قاعده در موارد زیر اعمال خواهد شد :
 - الف) شبهه در نفس وقوع جرم : مثلاً در جرم حدی زنا ، برای قاضی در رابطه با اینکه جماع با آلت تناسلی مرد صورت گرفته یا خیر شبهه حاصل گردد.
 - ب) شبهه در برخی از شرایط وقوع جرم : به عنوان مثال رکن اصلی سرقت ربودن است ، بنابراین اگر در این خصوص قاضی با شبهه مواجه شود ، مشروط به تحقق سایر شرایط ، محل اعمال قاعده در خواهد بود.
 - ج) شبهه در شرایط مسئولیت کیفری : برای مثال در خصوص جنون ادواری ، قاضی پیرامون عقل یا جنون مرتکب حین ارتکاب جرم با تردید مواجه می گردد.

ماده ۱۲۱_ در جرائم موجب حد به استثناء محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نخواهد شد.

نکات : ۱. اصولاً در حدود صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل باعث می شود حسب مورد جرم یا شرایط آن ثابت نشود مگر در محاربه ، افساد فی الارض ، سرقت و قذف

۲. در سایر مجازات ها اعم از قصاص ، دیات و تعزیرات، صرف وجود شبهه و تردید باعث سقوط مجازات و عدم اثبات جرم و شرط نمی گردد و بایستی به دنبال دلیل بود و صرفا در صورت عدم وجود دلیل مخالف شبهه و تردید ، قاعده در جاری می گردد.

درس نامه

شروع به جرم

مراحل ارتکاب جرم تام عبارتند از ۱. مرحله قصد ارتکاب جرم ۲. تهیه مقدمات ۳. شروع به اجرا ۴. اجرای جرم یا جرم تام

تعریف شروع به جرم : رفتاری که به منظور عملی نمودن قصد مجرمانه انجام شده است ، ولی به جهت مانع خارجی به تحصیل نتیجه منتهی نشده است.

شرایط و احکام تشکیل دهنده شروع به جرم :

۱) لزوم قصد مجرمانه :

باید قبل از ارتکاب جرم ، حتما قصد قبلی باشد.

نکته : در جرایم غیر عمدی و جرایم ناشی از تخلف از نظامات دولتی ، فرض شروع به جرم منتفی است.

نکته : گاهی صرف داشتن قصد مجرمانه به صورت مستقل جرم انگاری شده است مثل تهدید به قتل.

۲) آغاز عملیات اجرایی :

شخص باید وارد عنصر مادی شده ، و باید شروع به اجرای عنصر مادی کند.

نکته : برای اینکه عنصر مادی شروع به جرم ، شروع به اجراست ، لذا در جرایمی که عنصر مادی آنها ترک فعل است شروع به جرم قابل تصور نیست. مثلا شروع به ترک انفاق نداریم.

نکته : حواسمان باشد آغاز عملیات اجرایی را با تهیه مقدمات یکی نگیریم. از کجا بین این دو تفکیک قایل شویم ؟؟؟

عامل خارجی را حذف می کنیم ، نتیجه حاصل شد شروع به جرم است و اگر نتیجه حاصل نشد ، شروع به جرم نیست.

مثال مثلا سارق ، مال مسروقه را برداشته ولی هنوز نقل مکان نکرده است.

نکته : تهیه مقدمات اصولاً قابل مجازات نیست چون تهیه مقدمات همیشه به این معنا نیست که شخص نیت مجرمانه داشته است منتهی در بعضی موارد قانون گذار تهیه مقدمات را به عنوان جرم مستقلی قابل مجازات دانسته است مانند ساختن کلید برای ارتکاب جرم.

۳) وجود عامل خارجی :

عدم وقوع جرم باید ناشی از وجود مانع خارجی باشد مثلاً شنیدن صدای ماشین پلیس و فرار سارق از خانه بدون مال مسروقه.

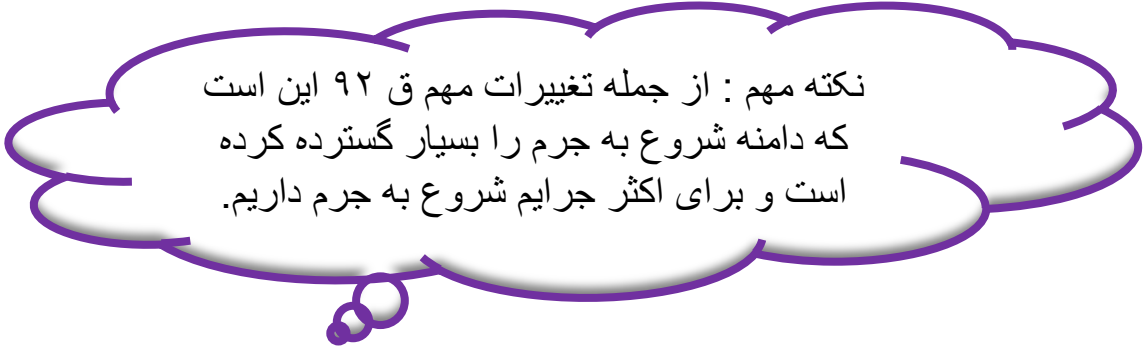
۴) فقدان انصراف ارادی :

نکته مهم : انصراف ارادی ، مانع از تحقق شروع به جرم است.

نکته : اگر شخص وارد عملیات اجرایی شد و قصد مجرمانه داشت و مانع خارجی آمد ولی انصراف ارادی کرد ، در قالب شروع به جرم قابل مجازات نیست ، اما اگر همان میزان رفتارش عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد بابت آن عمل قابل مجازات است.

نکته : اعمالی که فقط مقدمه جرم اند یعنی ارتباط مستقیمی با جرم ندارند ، در قالب شروع به جرم مجازات نمی شوند.

نکته : گاهی اوقات شروع به جرم ، به صورت مستقل جرم انگاری شده است ، مثلاً اقدام به خارج کردن اموال تاریخی و فرهنگی از کشور هر چند به قاچاق نینجامد.



نکته مهم : از جمله تغییرات مهم ق ۹۲ این است که دامنه شروع به جرم را بسیار گسترده کرده است و برای اکثر جرایم شروع به جرم داریم.

نکته : در جرم مطلق هم شروع به جرم متصور است مثلاً جعل جرم مطلق است و شروع به جرم برای آن داریم.

نکته : در حقوق ایران برای شروع به جرم استدلال نظریه عینی پذیرفته شده است.

نکته : شروع به جرم هنگامی باعث اجرای مجازات بر فرد می شود که در قانون برای شروع به آن ضمانت اجرای کیفری پیش بینی شده باشد. پس اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها برای شروع به جرم هم قابل تصور است.

نکته : جرم عقیم و محال را تعریف می کنیم و تفاوت آن را با شروع به جرم می گوئیم :

جرم عقیم : جرمی که امکان وقوع جرم همیشه هست ولی به علتی نتیجه واقع نمی شود ، یعنی موضوع برای جرم وجود دارد ولی علت دیگر می آید و نمی گذارد موضوع واقع شود. مثال الف به ج تیر اندازی می کند اما تیر به خطا می رود.

جرم محال : جرمی که امکان وقوع آن وجود ندارد یعنی اصلاً موضوعی وجود ندارد که جرم بخواهد بر روی آن واقع شود مثل شلیک به انسان مرده به قصد قتل.

تفاوت شروع به جرم و جرم عقیم و محال :

در شروع به جرم عملیات اجرایی به پایان نمیرسد ولی در جرم محال و عقیم ، عملیات اجرایی به پایان می رسد ولی در هیچکدام نتیجه واقع نمی شود.

در تبصره ماده ۲۲ گفته : هر گاه رفتار ارتكابی ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم دارد اما اگر به جهات مادی ، جرم واقع نشود ، آن عمل در حکم شروع به جرم است.

پس منظور در حکم شروع به جرم ، همان جرم عقیم و محال اند که قانونگذار آنها را در حکم شروع به جرم محسوب کرده است و مجازات شروع به جرم را بر آنها بار کرده است.

برای چه جرم هایی ، شروع به جرم متصور است و مجازات شروع به جرم آنها چقدر است ؟؟؟؟؟؟؟

برای جرم مستوجب سلب حیات ، **حبس** (دقت به حبس کنید) **دایم و حبس تعزیری** ۱ و ۲ ، شروع به جرم داریم و مجازاتش **حبس** درجه ۴ است.

۲. برای جرم مستوجب قطع (نه قصاص) عضو و **حبس** (دقت به حبس کنید) درجه ۴ شروع به جرم داریم و مجازات شروع به ان **حبس** درجه ۵ است .

۳. برای جرم مستوجب شلاق **حدی** (نه تعزیری) و جرم مستوجب **حبس** (دقت به **حبس کنید**) درجه ۵ شروع به جرم داریم و مجازات شروع به جرم ان ، **حبس** درجه ۶ یا شلاق تعزیری درجه ۶ یا جزای نقدی درجه ۶ است.

موارد حصری که در سایر قوانین قبل از سال ۹۲ به عنوان شروع به جرم جرم انگاری شده اند :

- ✓ شروع به جعل
- ✓ شروع به ارتشا
- ✓ شروع به قتل عمد
- ✓ شروع به آدم ربایی
- ✓ شروع به احراق
- ✓ شروع به تخریب تاسیسات عمومی
- ✓ شروع به کلاهبرداری
- ✓ شروع به اسید پاشی
- ✓ شروع به صید جانوران وحشی
- ✓ شروع به قاچاق انسان

✓ شروع به جرایم تعزیری در قانون نیروهای مسلح

- ✓ شروع به برخی موارد سرقت تعزیری
- ۱. شروع به سرقت مقرون به شرایط ۵ گانه
- ۲. شروع به سرقت مقرون به ازار مسلحانه
- ۳. شروع به راهزنی
- ۴. شروع به سرقت گروهی مسلحانه در شب

توضیح مواد قانونی شروع

ماده ۱۲۲_ هرکس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجراء آن نماید لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد به مجازات همان جرم محکوم و در غیر این صورت به شرح زیر مجازات می‌شود:

۱_ در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار،

۲_ در جرائمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه پنج،

۳_ در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش،

تبصره_ هرگاه رفتار ارتكابي ارتباط مستقيم با ارتكاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آنها بی‌اطلاع بوده وقوع جرم غیر ممکن باشد، اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است.

نکات :

۱. مراحل ارتکاب جرم عبارتند از ۱. مرحله قصد ارتکاب جرم ۲. تهیه مقدمات ۳. شروع به اجرا ۴. اجرای جرم یا جرم تام

۲. مقررات جزایی شامل کسانی که تنها در مرحله اندیشیدن یا فکر ارتکاب جرم اند اجرا نمی شود مگر در موارد استثنایی مثلاً اندیشه قاچاق طلا بر اساس رای وحدت رویه سال ۱۳۳۹ یا تهدید به قتل و

۳. در مرحله تهیه مقدمات بزهکار از مرحله ی قصد و تصمیم خارج شده و برای نزدیک شدن به مقصود ارتکاب جرم ، مقدمات کار را فراهم می کند

۴. مرحله تهیه مقدمات اصولاً قابل مجازات نیست و استثناً ان ساختن کلید برای ارتکاب جرم است که مستقلاً جرم قلمداد می شود.

۵. عملیات اجرایی اعمالی هستند که فی نفسه جرم از آنها ترکیب می یابد. بنابراین عملی که از مرتکب صادر شده است باید با تعریف قانونی جرم معینی منطبق باشد تا ان عمل را بتوان شروع به اجرا محسوب کرد.

۶. شروع به جرم بر اساس ماده ۱۲۲ عبارتست از رفتاری که به منظور عملی کردن قصد مجرمانه انجام شده است لکن به جهت مانع خارجی به تحصیل نتیجه مورد نظر منتهی نشده است.

۷. در جرایم غیر عمدی و جرایم ناشی از تخلف از نظامات دولتی فرض شروع به جرم قابل تصور نیست.

۸. تنها عملیاتی که ارتباط مستقیم و بی واسطه با وقوع جرم دارد در قالب عملیات اجرایی و شروع به جرم قرار می گیرد و قابل مجازات است.

۹. قانونگذار نظریه عینی را در رابطه با شروع به جرم پذیرفته است.

۱۰. انصراف ارادی مانع تحقق شروع به جرم است.

۱۱. اصل قانونی بودن جرایم و مجازات بر تاسیس حقوقی شروع به جرم نیط حاکم است. بنابراین در مواردی که برای شروع به جرمی در قانون مجازات تعیین نشده است مثل جرایمی که مجازات قانونی آنها درجه ۶ تا ۸ است اعمال مجازات و جاهت قانونی ندارد.

۱۲. نهادهای مشابه با شروع به جرم :

جرم محال : جرمی که موضوع آن منتفی ست مانند کشتن انسان مرده و گاه وسایلی که برای ارتاب جرم به کار می رود طوری است که انجام جرم را ذاتاً غیر ممکن می کند مثل زمانی که شخص به جای ریختن سیاه نور در غذای دیگری از ماده غیر کشنده

دیگری استفاده می کند. با توجه به این تعریف حکمی که در تبصره ماده ۱۲۲ آمده منطبق با جرم محال هم می باشد که قانونگذار آن را در حکم شروع به جرم می داند.

جرم عقیم : جرمی که موضوع آن منتفی نیست ولی به علتی خارجی جرم واقع نمی شود مثل خطا در تیر اندازی و نکشتن فرد مورد نظر... حکم تبصره ماده ۱۲۲ شامل جرم عقیم نیز می شود جرم عقیم را نیز در حکم شروع به جرم می داند.

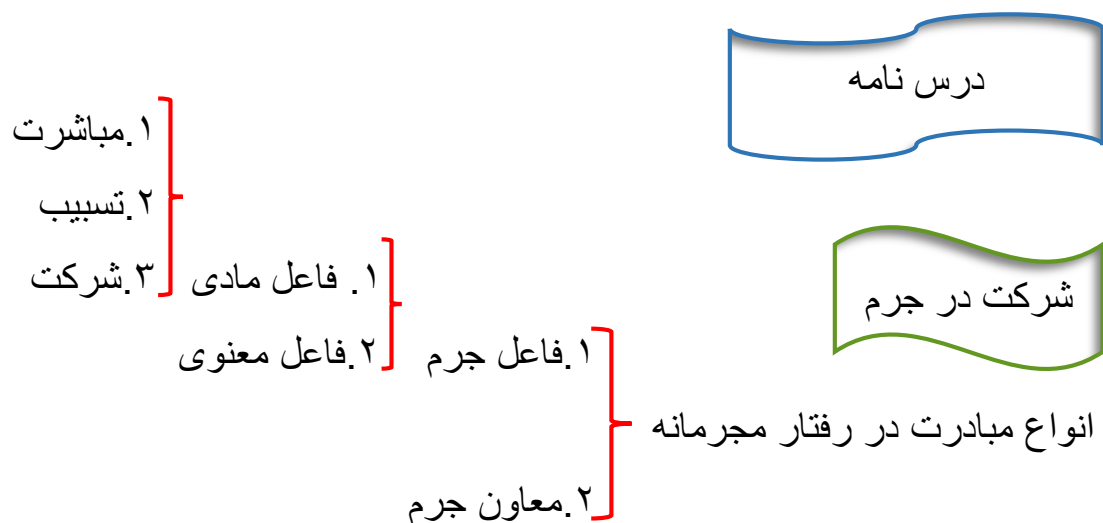
۱۳. ضابطه تعیین مجازات در شروع به جرم حبس تعزیری ۱ تا ۵ است نه تعزیر ۱ تا ۵... جرایمی که با حبس تعزیری درجه ۱ تا ۵ است مشمول ماده اند نه جرایمی که با تعزیر ۱ تا ۵ مواجه اند.

ماده ۱۲۳_ مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد، شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست.

ماده ۱۲۴_ هرگاه کسی که شروع به جرمی کرده به اراده خود آن را ترك کند به اتهام شروع به جرم منظور تعقیب نمی شود، لکن اگر همان مقدار رفتاری که مرتکب شده جرم باشد به مجازات آن محکوم می شود.

نکات :

انصراف ارادی تنها باعث می شود عمل شروع به جرم تلقی نشود در نتیجه ممکن است عمل شخص تا همین مرحله ، عنوان مجرمانه مستقلی داشته باشد مثل وضعیتی که شخص شروع به اجرای قتل عمدی از طریق سلاح نماید و به میل خود آن را ترک کند اقدام این شخص شروع به جرم نیست اما تحت عنوان مجرمانه حمل سلاح غیرمجاز قرار دارد.



فاعل مادی جرم : کسی که شخصا اعمال مادی تشکیل دهنده جرم را انجام می دهد.

فاعل معنوی جرم : کسی که جرم را «توسط دیگری» مرتکب می شود یعنی کسی که با داشتن اقتدار جرم را بی آنکه مادتا در ارتکاب آن مداخله کند واقع می سازد و در واقع مغز اندیشیده جرم است. مثلا الف به دو نفر دستور میدهد بچه ای را بربایند یا شخصی به پزشک می گوید برای معافیت از سربازی برایش گواهی جعل کند... گاهی مباشر معنوی را در حد مباشر مادی قابل مجازات دانسته اند.

تعریف مباشر جرم : کسی است که جرم را عملا ، مستقیما ، به تنهایی انجام میدهد مثال حسن میروود سرقت و کالایی را می رباید.

تعریف مسبب جرم : وقتی شخصی خود مستقیما مرتکب جرم نمی شود بلکه سبب آن را ایجاد می کند به طوری که اگر آن شخص نبود جنایت حاصل نمی شد مثلا حسن چاهی می کند و الف در آن می افتد و می میرد.

در اجتماع سبب و مباشر :

سه حالت متصور است :

۱. اقوی بودن مباشر از سبب : مباشر ضامن است

۲. اقوی بودن سبب از مباشر ، سبب مسیول است مثلا مباشر بی اختیار بوده یا جاهل یا صغیر غیر ممیز یا مجنون یا حیوان یا شی و که صد درصد سبب ضامن است.

۳. مهممهمم : تساوی سبب و مباشر : هر دو به طور مساوی ضامن اند.

تعریف شرکت در جرم : همکاری دست کم دو یا چند نفر در اجرای جرایم خاص به طوری که فعل هر یک سبب وقوع جرم باشد.

برای تحقق شرکت در جرم سه شرط باید باشد :

۱. مداخله در عملیات اجرایی جرم

۲. منتسب بودن عمل به همه ی شرکا

۳. علم و عمد (وحدت قصد) در تحقق عنصر مادی (نه معنوی) جرم

نکته مهم : شرکا در عنصر معنوی جرم مستقل هستند ولی در عنصر مادی جرم مشترکند و جرم مستند به همه ی آنهاست.

نکته : شرکت در جرم در جرایم عمدی و غیر عمدی متصور است. در جرایم غیر عمدی مانند اینکه عده ای کارگر به دلیل بی احتیاطی دیواری را بر سر الف خراب می کنند و او می میرد. حال این کارگران شریک در قتل غیر عمدی اند.

نکته : شرکت در جرم در شروع به جرم هم متصور است.

نکته : در مبحث شرکت در جرم نیازی به تبانی نداریم و الزاما نیازی به وحدت قصد نیست مثلا حسن قصد کشتن الف دارد و به سر او تیری میزند ، نادر می خواهد اهوایی را شکار کند اما تیرش به خطا میرود و به قلب الف می خورد. پزشک قانونی تشخیص میدهد که سلب حیات الف توسط شلیک به سر و قلب صورت گرفته پس هر دو شریک جرم اند بدون آنکه قصد واحدی داشته باشند البته یکی به عمد و دیگری به غیر عمد.

نکته : شرکت در جرم ، در جرایم ناشی از ترک فعل هم قابل تصور است مثلا دو نفر انسانی را مصدوم بر روی زمین می بینند و به او کمک نمی کنند و رد می شوند که طبق قانون خودداری از کمک به مصدومین شریک در جرم اند.

نکته : مسئولیت کیفری شریک در جرم کاملاً شخصی است و به هیچ نحو به مسئولیت کیفری شرکای دیگر ربطی ندارد پس هر شریک جرم می تواند به تنهایی مورد تعقیب قرار بگیرد. مثلاً اگر پدری با برادر خود اموال فرزند خودش را سرقت کند اگرچه خود از حد سرقت معاف است اما برادرش با احراز سایر شرایط سرقت حدی محکوم به حد می شود. یا مثلاً ممکن است یک شریک به دلیل صغر از مسئولیت کیفری معاف شود اما دیگر شریک همه ی شرایط مسئولیت کیفری را داشته باشد و معاف نشود.

نکته : اگر چند نفر در جرمی شریک باشند کیفیات مخففه و مشدده برای هر مجرمی با توجه به موقعیت حقوقی و خصوصیات روانی و خانوادگی و شخصی جداگانه در نظر گرفته می شود و بر مجازات شرکای دیگر تأثیری ندارد.

نکته : در شرکت در جرم وحدت قصد مجرمانه در عملیات اجرایی لازم است (نه معنوی) حال این وحدت قصد باید مقدم یا متقارن با عملیات مجرمانه باشد. بنابراین اگر سارق پس از ارتکاب سرقت تقاضای اخفای اموال مسروقه نماید و شخص اخیر با علم به مسروقه بودن اموال را بپذیرد شریک در سرقت نیست بلکه واجد عنوان مجرمانه مستقل یعنی اخفای اموال مسروقه می باشد.

نکته : قصاص و دیات مشمول ماده ۱۲۵ نیستند و مشمول تبصره ان هستند و قوانین خاص خود را دارند و ماده ۱۲۵ برای جرایم تعزیری است.

در برخی از حدود مثل قذف و شرب خمر مسارکت مفهومی ندارد.

در برخی حدود مثل سرقت و محاربه و افساد فی الارض و قوادی ، شرکت در جرم ممکن است اما تابع مقررہ خاصی از لحاظ شرکت در جرم نیست و هر یک از مرتکبین به عنوان شریک در جرم قابل مجازات خواهند بود.

مواد قانونی شرکت در جرم

ماده ۱۲۵ _ هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود. در مورد جرائم غیر عمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصرین شریک در جرم محسوب و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است.

تبصره _ اعمال مجازات حدود، قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مقررات کتاب دوم، سوم و چهارم این قانون انجام می گیرد.

نکات :

۱. شریک جرم همانند مباشر مادی جرم به کسی اطلاق می شود که شخصا اعمال مادی تشکیل دهنده ی جرم را انجام می دهد اما از این جهت که جرم را به همراهی افراد دیگر انجام می دهد او را شریک می دانند مانند اینکه دو نفر با هم سرقت کنند.

۲. مسئولیت کیفری شریک در جرم کاملا شخصی است و به هیچ وجه ربطی به مسئولیت کیفری شرکا دیگر ندارد.

۳. مجازاتی که علیه شریکی اعمال می شود کاملا مستقل از کیفری که علیه شرکای وی قابل اعمال است می باشد. بدین ترتیب که کیفیات مشدده و مخففه برای هر شریک جدا از سایر شرکا قابل اعمال است.

۴. شرایط تشکیل دهنده شرکت در جرم عبارتند از ، وحدت قصد در عملیات اجرایی جرم ، انجام عملیات اجرایی جرم ، استناد جرم به همه شرکا

۵. علم و عمد باید در هنگام ارتکاب جرم موجود باشد تا شخص شریک تلقی شود و چنانچه پس از خاتمه جرم باشد ممکن است جرم خاص باشد .

۶. شرکت جرم در جرایم عمدی و غیر عمدی متصور است.

درس نامه

معاونت در جرم

تعریف : کسی است که شخصا در ارتکاب عنصر مادی جرم دخالت نداشته بلکه از طریق تحریک ، ترغیب ، تطمیع و... در ارتکاب جرم همکاری می کند به عبارتی معاونت یعنی مداخله در ارتکاب جرم بدون دخالت در عنصر مادی جرم.

شرایط لازم برای تحقق معاونت :

۱. جرم بودن فعل اصلی :

معاون زمانی قابل مجازات است که عمل مباشر جرم بوده و قابل مجازات باشد و این همان استعاره ای یا عاریه ای بودن معاونت است و لذا در مواردی که عمل مباشر جرم نباشد عمل معاون قابل مجازات نیست. مانند اینکه عمل مباشر مشمول علل موجهه قرار

گیرد یا عمل مباشر شامل عفو عمومی (نه خصوصی) شود یا خودکشی که اصلا جرم نیست که معاون داشته باشیم.

نکته : معاونت در خودکشی اگر از طریق رایانه صورت گیرد استثنایا جرایم رایانه ای این عمل را جرم دانسته است. پس معاونت در خودکشی جرم نیست مگر در جرایم رایانه ای.

۲. لزوم فعل مثبت :

معاونت صرفا از طریق فعل واقع می شود. پس معاونت با ترک فعل نداریم

۳. مباشر جرم فعل مجرمانه را انجام داده باشد یا شروع به اجرای آن کرده باشد.

مثلا الف ج را تشویق می کند که ب را بکشد ، ج ، ب را نمی کشد پس الف هم معاون در جرم نیست.

نکته : جرم شروع به معاونت نداریم

اما معاونت در شروع به جرم داریم.

۴. عمل معاون باید در وقوع جرم موثر باشد.

۵. ضرورت تقارن یا تقدم انجام عمل معاون با عمل فاعل :

مگر در دو فرض استثنایی :

۱. وقتی معاون و مباشر با هم تبانای کرده اند نیازی به این بند نداریم مثلا مباشر میگوید من سرقت می کنم و تو پشت خیابان با وانت بایست تا فرار کنیم که اینجا تسهیا دارد صورت می گیرد.

۲. انتقال مال غیر : منصور ملک حسن را انتقال می دهد بدون اجازه او. بعد حسن (مالک) می فهمد اگر ظرف ۱ ماه نرود شکایت کند می شود معاون جرم.

۶. بین عمل معاون و مباشر وحدت قصد وجود داشته باشد.

دقت کنید معاون و مباشر باید قصد ارتکاب یک جرم را داشته باشند و الزاما نیاز به تبانی نداریم ، پس در بحث معاونت هم نیاز به تبانی نیست الزاما.

نکته : اگر فاعل اصلی جرم ، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده مرتکب شود ، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف تر محکوم می شود. مثلا معاون تطمیع

کرده است مباشر را در جرم سرقت ساده ولی مباشر سرقت مسلحانه کرده است در اینجا به معاون مجازات جرم مهاونت در سرقت ساده را می دهیم.

نکته مهم : با توجه به این شرایط متوجه می شویم که معاونت صرفا در جرایم عمدی متصور است و در جرایم غیر عمدی معاونت نداریم .

نکته : گاهی معاونت به عنوان جرمی خاص است مثل ساختن کلید توسط غیر سارق برای سرقت

مصادیق معاونت :

- **تحریک** : برانگیختن و واداشتن دیگری به ارتکاب جرم
تحریک باید مستقیم ، فردی و موثر باشد.
گاهی تحریک ، خود جرم مستقل است مثل تحریک مردم به جنگ و کشتار.
- **ترغیب** : یعنی به رفبت آوردن و این مورد هم باید مستقیم ، فردی و موثر باشد.
- **تهدید** : به معنی ترساندن است و مجرد خوف از کسی یا چیزی تهدید به شمار نمی آید.
تهدید در هواپیما به عنوان جرم مستقل جرم انگاری شده است.
- **تطمیع (تحریص)** : به معنی آزمندی ، نوع خاصی از ترغیب است که منحصرآ جنبه مادی و مالی دارد.
- **دسیسه ، فریب و نیرنگ** : به معنای مکر و حيله است و اگر به طور پنهانی باشد آن را دسیسه می گویند و لازم نیست مستقیما در مباشر جرم موثر باشد و می تواند تاثیر غیر مستقیم بگذارد.
- **تهیه وسایل ارتکاب جرم** : یعنی کسی با علم و عمد وسیله ای برای ارتکاب جرم توسط دیگری تهیه کند و مباشر نیز از این وسیله استفاده کند.
- **ارایه طرق ارتکاب جرم** : یعنی طریق و روش ارتکاب جرم را با علم به قصد مرتکب ارایه دهیم یا اینکه شخص را از نارسایی و دشواری شیوه ای که در ارتکاب جرم برگزیده است با خبر کنیم.
- **تسهیل وقوع جرم** : یعنی شخص عامدا و عالما ارتکاب جرم را تسهیل کند مثلا زن حامل خور را در اختیار پزشک قرار دهد برای سقط جنین ، معاون در جرم سقط جنین می شود و پزشک مباشر است.

نکته : در حقوق ایران ، معاونت در معاونت نداریم. یعنی مثلا بگوییم حسن ، مریم را تطمیع کرده که مریم علی را برای کشتن الف تشویق کند. اینجا حسن معاون در معاون است که حقوق ایران همچنین جرمی را نپذیرفته است.

نکته : معاونت با ترک فعل نداریم ، اما در جرایم ترک فعلی معاونت داریم مثلا معاونت در ترک انفاق قابل تصور است.

مجازات های معاونت :

- برای معاونت در جرم مستوجب } ۱. حبس ابد
۲. سلب حیات
← حبس ۲ و ۳

- برای معاونت در جرم مستوجب } ۱. سرقت حدی
۲. قطع عمدی عضو (منظور قصاص عضو)
← حبس ۵ و ۶

- برای معاونت در جرم مستوجب شلاق حدی : شلاق تعزیری

- برای معاونت در جرایم مستوجب تعزیر : هر چه به مباشر دادیم یک تا دو درجه پایینتر به معاون می دهیم. (پس ی ک مدل می دهیم فقط با درجه پایینتر)

سه استثنا بر این قاعده } ۱. برای معاونت در جرم مستوجب مصادره اموال : جزای نقدی ۴

۲. برای معاونت در جرم مستوجب انفصال دائم جزای نقدی ۶

۳. برای معاونت در جرم مستوجب انتشار محکومیت : جزای نقدی ۷

نکته : اگر جانی علیه نفس یا عضو به هر علت قصاص نشد ، می بینیم چه تعزیری به او دادند ، بعد هر چه به جانی دادند یک تا دو درجه پایین تر را به معاون جنایت می دهیم.

۲ فرض بسیار مهم در ماده ۱۲۸ :

فرض ۱ : فرضی است که بالغ (مثلا فرد ۳۰ ساله) در ارتکاب جرم از شخص نابالغ غیر ممیز (مثلا دختر ۴ ساله) استفاده میکند، چون در اینجا نابالغ در حکم وسیله است، بالغ مباشر محسوب شده و مجازاتش تشدید می شود به حداکثر مجازات قانونی همان جرم. پس اگر مرتکب صغیر غیر ممیز بود ، بالغ میشود مباشر)

فرض ۲ : فرضی است که بالغ (مثلا فرد ۳۰ ساله) در ارتکاب جرم از شخص نابالغ ممیز (مثلا دختر ۸ ساله) استفاده می کند ، در اینجا بالغ معاون در جرم محسوب محسوب می شود و خود صغیر ممیز مباشر به حساب می آید اما به معاون حداکثر مجازات معاونت را می دهند.(پس اگر مرتکب صغیر ممیز بود ، بالغ می شود معاون).

بررسی مواد معاونت

ماده ۱۲۶. اشخاص زیر معاون جرم محسوب می شوند:

۱_ هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با سوء استفاده از قدرت، دسیسه یا فریب موجب وقوع جرم گردد.

۲_ هر کس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریقه ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

۳_ هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره_ برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدید تر از آنچه مقصود معاون بوده مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف تر محکوم می شود.

نکات :

۱. معاون جرم کسی است که بدون آنکه خودش در عنصر مادی جرم دخالت داشته باشد با رفتار خود عمدا وقوع جرم را تسهیل می کند یا مباشر را به ارتکاب آن برانگیخته.

۲. در بندهای ۱۲۶ به علم و عمد اشاره ای نشده است اما با تصریح وحدت قصد ، لزومی به تکرار آن در بندهای ماده وجود ندارد.

۳. مصادیق معاونت در جرم انحصاری هستند ضمن اینکه قانونگذار جدید سو استفاده از قدرت را از مصادیق معاونت دانسته که سابقا این وجود نداشت.
۴. همه مصادیق معاونت به صورت فعل رخ می دهند .
۵. به طور کلی معاون وقتی مستوجب مجازات است که فاعل اصلی مرتکب جرمی شود یا شروع به اجرای آن کند.
۶. شروع به معاونت نداریم.
۷. شرط تحقق معاونت این است که معاونت پیش از وقوع جرم یا همزمان با وقوع جرم باشد. البته ۲ استثنا را در بالا ذکر کردیم.
۸. در علل موجهه جرم ، با زوال عنصر قانونی ، معاون قابل مجازات نیست. (در شرکت در جرم نیز همینگونه است)
- در علل رافع مسئولیت کیفری ، مسئولیت مرتکب زایل می شود و معاون قابل تعقیب است . (در شرکت در جرم نیز همینگونه است).
۹. در صورتی که عمل اصلی جرم باشد اما مورد عفو عمومی قرار گیرد ، مجازات معاون نیز به تبع آن منتفی می شود.
۱۰. بر اساس نظام عاریه ای اصولا عمل معاون در صورتی جرم قلمداد می شود که فعل مباشر جرم باشد. هر چند مواردی وجود دارد که به دلیل اهمیت موضوع رفتاری علی رغم اینکه معاونت باشد اما عنوان مجرمانه مستقل دارد مثل ساختن کلید برای ارتکاب جرم ماده ۶۶۴.
۱۱. در صورتی که جرم اصلی در کشور ایران ، ولی معاونت آن در خارج از کشور انجام یافته باشد جرم واقع شده در ایران محسوب می گردد و رسیدگی به اتهام معاون در جرم ، در صلاحیت دادگاههای ایران است.
۱۲. تحریک باید فردی و مستقیم و موثر باشد و شامل هر رفتاری می شود که مباشر جرم را مصمم به ارتکاب جرم کند و محدودیتی به نوع تحریک نیست.
۱۳. تهدیدی که در قالب اکراه در بیاید از موارد رفع مسئولیت کیفری است.
۱۴. در دسیسه و فریب و نیرنگ لازم نیست که مکر و حيله مستقیم باشد .
۱۵. چنانچه شخصی بداند دیگری قصد کشتن شخصی را دارد و موجبات قتل را فراهم آورد معاون جرم است هر چند هیچگونه تبانی و ارتباطی بین آنها نباشد زیرا وحدت قصد مهم است نه الزام تبانی.

۱۶. در صورتی که تهیه وسایل منتهی به وقوع جرمی شود ، بدون آنکه تهیه کننده علم و اطلاعی از این امر داشته باشد ، جرم معاونت محقق نمی شود مانند کسی که تفنگ دوست خود را برای شکار قرض بگیرد ولی با آن مرتکب قتل شود.

۱۷. در صورتی که وسایل تهیه شده عملاً در ارتکاب جرم مورد استفاده واقع نشده باشد ، معاونت محقق نمیشود.

۱۸. دادن اطلاعات مبهم و ساده برای تحقق ارایه طریق در ارتکاب جرم کافی نیست و راهنمایی باید با صراحت و با آگاهی از ماهیت عمل مجرمانه به عمل آید و بدسین وسیله موجبات اجرای جرم فراهم شود. مانند نشان دادن راههای ورود و خروج یک موسسه به قصد سرقت.

۱۹. معاونت در جرایم غیر عمدی به جهت فقدان وحدت قصد ، امکان پذیر نیست.

دکتر گلدوزیان در دیدگاهی قابل تأمل این نظر را با انتقاد روبه رو می کند و در توضیح معاونت در رانندگی بدون پروانه و در پی آن صدماتی که به طور غیر عمدی وارد می شود را مطرح می سازند. حال آنکه کسی که ماشین خود را به شخص فاقد گواهی نامه می دهد تنها در جرم رانندگی بدون پروانه که عمدی است معاونت نموده نه در صدمات غیر عمدی ناشی از نداشتن گواهینامه.

۲۰. اصولاً مسئولیت معاون جرم نسبت به جرایمی است که با مباشر جرم هماهنگی داشته است اما گاهی رویه قضایی ، معاون را مشمول نتایج اقدامات اضطراری مباشر دانسته است.

۲۱. اگر کسی با علم و اطلاع ، برای تاجر ورشکسته قرضی کند و تا مدتی مانع ظهور ورشکستگی او شود عمل او معاونت تلقی می شود.

۲۲. در جرمی که با ترک فعل واقع می شود نیز امکان معاونت وجود دارد. مانند مادری که فرزندش را ترغیب به ندادن نفقه به زوجه اش می کند.

ماده ۱۲۷_ در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است:

۱_ در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دویاسه،

۲_ در سرقت حدی و قطع عمدی عضو حبس تعزیری درجه پنج یا شش،

۳_ در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش،

۴_ جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین تر از مجازات جرم ارتكابی.

تبصره ۱_ در مورد بند (۴) مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است مگر در مورد مصادره اموال، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت که مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجه چهار، شش و هفت می باشد.

تبصره ۲_ در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند (۴) فوق، اعمال خواهد شد.

نکات :

۱. اعمال مجازات های مقرر منوط به این است که در قانون یا شرع برای معاون آن جرم مجازات دیگری پیش بینی نشده باشد.
۲. در جرایم مستوجب تعزیر ، مجازات معاون هم سنخ مجازات مباشر خواهد بود . با این وجود در مواردی که مجازات مباشر مصادره اموال ، انفصال دائم ، انتشار حکم محکومیت است ، مجازات قابل اعمال بر معاون ، جزای نقدی می باشد.
۳. با عنایت به بند آخر به نظر می رسد جرایمی که با تعزیر درجه ۸ مواجه اند معاونت در آنها قابل مجازات نیست.
۴. به نظر می رسد با توجه به ظاهر تبصره ۲ منظور از میزان تعزیر فاعل اصلی جرم ، میزان تعزیر مقرر در حکم دادگاه است نه تعزیر مقرر در قانون یا تعزیر قانونی.

ماده ۱۲۸. هرکس از فرد نابالغ به عنوان وسیله ارتكاب جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می گردد. همچنین هرکس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می شود.

نکات :

۱. قسمت اول ماده بیانگر شخصی است که مباشر معنوی است که به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می شود . اما فرد نابالغ مباشر مادی جرم تلقی می شود و در اجرای ماده ۱۴۶ قانون از مسئولیت کیفری مبری است .

۲. بر اساس ماده ۱۴۷... ۹ و ۱۵ سالگی به ترتیب برای دختران و پسران ملاک سن بلوغ است.

۳. هر چند که قانونگذار در این ماده از واژه هرکس استفاده نموده است با این حال باید آن را منصرف از افراد نابالغ بدانیم چرا که این افراد مسئولیت کیفری ندارند با این حال با وجود آنکه امکان معاونت در جرایم از سوی افراد نابالغ نیز امکان پذیر است ولی از آنجا که در قانون برای افراد نابالغ مسئولیت کیفری مقرر نشده است و اقدامات تامینی و تربیتی در مورد آنها اعمال می گردد لذا به نظر می رسد که ذیل ماده نیز منصرف از افراد نابالغ است.

ماده ۱۲۹ _ هرگاه مرتکب جرم به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب نباشد یا تعقیب یا اجراء مجازات او به جهتی از جهات قانونی متوقف گردد تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد.

نکات :

۱. در این ماده قانونگذار به صراحت از عوامل شخصی یا همان عوامل رافع مسئولیت کیفری سخن به میان آورده است که تأثیری در مسئولیت معاون جرم ندارد اما در عوامل موجهه مثل دفاع مشروع ، حکم یا اجازه قانون ، چون عمل اساساً جرم محسوب نمی شود قاعدتاً معاونت در آن عمل نیز قابل تعقیب و مجازات نیست.

۲. مقصود از قابل تعقیب نبودن مرتکب ، می تواند مشمول عوامل رافع مسئولیت کیفری در رابطه با مباشر جرم باشد مانند جنون ، صغر و اجبار... . در توقف تعقیب یا اجرای مجازات هم عواملی مانند آزادی مشروط ، تعلیق تعقیب و ... دخیل است.

۳. عکس متن ماده فوق هم صادق است یعنی چنانچه معاون به جهاتی قابل مجازات نباشد این موضوع تأثیری در حق مباشر نخواهد داشت.

ماده ۱۳۰_ هر کس سردستگی يك گروه مجرمانه را به عهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضاء آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شده‌اند، محکوم می‌گردد، مگر آن که جرم ارتكابي موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم خواهد شد. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سر دسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.

تبصره ۱_ گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل شده یا پس از تشکیل، هدفش برای ارتکاب جرم منحرف شده باشد.

تبصره ۲_ سردستگی عبارت است از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه.

نکات :

۱. طبق قانون جدید سردستگی گروه بزهکار از موجبات تشدید است.

۲. گروه مجرمانه یعنی گروهی نسبتاً منسجم که متشکل از سه نفر یا بیشتر است که یا برای ارتکاب جرم تشکیل شده است یا پس از تشکیل ، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف شده است. مثلاً گروهی برای توزیع مواد مخدر تشکیل داده اند یا ابتدا گروهی برای فروش و توزیع عمده کالای مجاز بوده اند ولی بعد از مدتی شروع به قاچاق مواد مخدر کرده اند.

نکته : دقت کنید واژه منحصراً بر خلاف ماده ۲۲ اینجا وجود ندارد. ماده ۲۲ گفته بود اگر شخص حقوقی برای ارتکاب جرم ایجاد شود یا با انحراف از هدف مشروع نخستین ، فعالیت خود را منحصراً در ارتکاب جرم قرار دهد به عنوان مجازات منحل می شود و اموالش مصادره می شود.

۳. سر دسته : کسی است (شخص حقیقی) که تشکیل ، طراحی ، سازماندهی یا اداره ی گروه مجرمانه را بر عهده دارد.

۴. سردستگی باعث تشدید مجازات است.

۵. مجازات سر دسته :

در جرایم تعزیری :

به جرم های تعزیری که اعضای گروه انجام داده اند در راستای آن گروه ، نگاه می کنیم ، شدیدترین جرم گروه را انتخاب می کنیم ، سپس حداکثر همان شدیدترین را به سر دسته می دهیم.

مثلا الف سرقت ساده کرده

ب کلاهبرداری ساده کرده

ج کلاهبرداری مشدد کرده

حال می گوئیم شدیدترین جرم گروه کلاهبرداری مشدد است که مجازاتش ۲ تا ۱۰ سال است و ما حداکثر مجازات همین جرم را به سر دسته می دهیم یعنی ده سال.

در جرایم حدود و قصاص و دیه : مجازات معاون این جرایم را به سر دسته می دهیم البته حداکثر مجازات معاون آن جرم را به او می دهیم.
نکته : تشدید مجازات در این مواد اجباری است.

درس نامه

تعدد جرم

تعریف : یعنی متهم مرتکب چند جرم شده است و به هر علت برای هیچ کدام از آن جرایم حکم قطعی صادر نشده است پس تعدد جرم ، تعداد جرمی است که مرتکب از لحظه ی وقوع جرم تا صدور حکم قطعی انجام می دهد مثلا امروز سرقت می کند ، فردا کلاهبرداری پس فردا یک کلاهبرداری دیگر و و هنوز برای هیچ یک از جرم ها حکم قطعی صادر نشده است.

مثال ، علی سال ۸۹ خیانت در امانت کرده و برایش کیفرخواست صادر شده است ، ۹۲ هم یک فقره سرقت می کند : اینجا مصداق تعدد است زیرا هنوز برای هیچکدام حکم قطعی صادر نشده است.

نکته : تعدد جرم از **عوامل مشدده کیفری** است.

تعدد دو قسم دارد : ۱. مادی ۲. معنوی

تعدد مادی : وقتی است که عنصر مادی حداقل دو بار رخ داده باشد پس الزاما بیش از یک رفتار مجرمانه رخ داده است.

تعدد مادی ← ۱. یکسان : مثلا متهم دو بار سرقت ساده انجام داده است.
۲. متفاوت : مثلا متهم یک سرقت و یک کلاهبرداری انجام داده است.

تعدد معنوی : متهم یک عنصر مادی انجام داده است یعنی شخص یک رفتار واحد کرده است اما حسب مورد نتایج متعددی از این رفتار واحد حاصل شده است یا بر این رفتار واحد ، عناوین متعددی قابل انتساب است.

مثال برای نتایج متعدد : الف می خواهد ب را بکشد ، به سوی ب تیر می اندازد ، تیر از شانه ج رد میشود و ان را زخمی می کند و سپس به قلب ب می خورد و او را می کشد و سپس از قلب او در می آید و پنجره را می شکند... با یک تیر اندازی که رفتار واحد است ضرب و جرح ، قتل و تخریب رخ داده است.

مثال برای عناوین متعدد : زن و مردی بدون رابطه نسبی و سببی یکدیگر را در خیابان می بوسند. عمل بوسیدن آنها واجد دو عنوان مجرمانه شده است یکی اعمال منافی عفت در ملا عام و دیگری رابطه نامشروع مادون زنا.

پس تفاوت تعدد مادی و معنوی در تعداد رفتار مجرمانه است :

یک رفتار مجرمانه : تعدد معنوی

بیش از یک رفتار مجرمانه : تعدد مادی

نحوه مجازات در تعدد جرم :

❖ فرضی که تعدد مادی وجود دارد و همه جرایم از یک نوع اند (یکسان اند) :

- در تعزیر : یک بار تعزیر اجرا میشود حتی اگر ده سرقت تعزیری ساده بوده .
- در حد : یک بار حد (۸۰ تا حد) اجرا می شود حتی اگر فرد ده بار شراب خورده باشد.
- در قصاص : به تعداد جرم های مستوجب قصاص ، یک قصاص به وجود می آید یعنی اگر حسن ، الف و ب را کشته یک قصاص به وجود آید.
- در دیه : به تعداد جرایم مستوجب دیه ، دیه گرفته می شود مثلا اگر حسن دست دو نفر را مجروح کرده باید دو دیه بدهد.

✓ فرضی که تعدد مادی وجود دارد و جرایم ارتكابی مختلف هستند :

- در حد : جمع مجازات ها رخ میدهد. حسن هم قذف کرده ، هم شراب خورده است هم حد قذف و هم حد شراب را می خورد.
- در قصاص : جمع مجازات ها رخ می دهد مثلا حسن دست علی و پای منصور را قطع کرده است حال هم دستش و هم پایش قصاص می شود.
- در دیه : جمع مجازات ها رخ می دهد مثلا حسن دست علی و چشم حسین را مجروح کرده باید دو دیه بدهد.
- در تعزیرات :

فرض ۱: مجرم چند تا جرم تعزیری انجام داده است و جرمها حداقل و حداکثر دارند :

(الف) ۲ یا ۳ جرم کرده است : مثلا سرقت و جعل و کلاهبرداری : حال در اینجا می آیم و اشد مجازات هر جرمی را پیدا کرده مثلا سرقت شش ماه تا دو سال ، جعل یک تا سه سال و کلاهبرداری یک تا هفت سال . سپس در مرحله ی حکم دادن بیشترین مقدار این جرایم یعنی ۷ سال را به مرتکب می دهیم.

(ب) بیش از سه جرم : مثلا سرقت و جعل و کلاهبرداری و خیانت در امانت : حال در اینجا می آیم و اشد مجازات هر جرمی را پیدا کرده مثلا سرقت شش ماه تا دو سال ، جعل یکسال تا سه سال و کلاهبرداری یک تا هفت سال و خیانت در امانت دو تا پنج سال. حال در مرحله حکم دادن می آییم بیشترین مقدار (یعنی ۷ سال) را انتخاب

کرده و تا نصف همین بیشترین (۷ سال) به آن اضافه کرده و به مرتکب می دهیم یعنی ۷ سال به علاوه نهایتا تا ۳,۵ سال.

فرض ۲. : مجرم چند تا جرم تعزیری انجام داده است و جرمها حداقل و حداکثر ندارند :

الف) اگر تعداد جرم ها دو یا سه تا باشد : بیشترین مجازات بین همه جرم ها را نهایتا یک چهارم افزایش می دهیم. مثلا اگر میزان بیشترین مجازات ۶ سال بود ، نهایتا تا ۱,۵ سال به ۶ سال اضافه می کنیم.

ب) اگر تعداد جرمها بیش از سه تا باشد : بیشترین مجازات بین همه جرم ها را نهایتا یک دوم افزایش می دهیم. مثلا اگر میزان بیشترین مجازات ۶ سال بود ، نهایتا تا ۳ سال به ۶ سال اضافه می کنیم.

✓ فرضی که تعدد معنوی وجود دارد و نتیجه های متعدد حاصل شده اند :
مثلا شخص با یک تیراندازی هم قتل ، هم تخریب کرده است ، اینجا جمع مجازات می شود.

✓ فرضی که تعدد معنوی وجود دارد و رفتار واحد عناوین متعدد دارد :
در اینجا مجازات اشد اجرا می شود. یعنی در مثال بوسیدن زن و مرد در ملا عام ، می بینیم مجازات رابطه نامشروع مادون زنا سنگین تر است یا اعمال منافی عفت ، هر کدام بیشتر بود همان را حکم می دهیم.

مصادیق تعدد معنوی :

- ✓ انتقال سهم الارث با جعل امضا
- ✓ قتل غیر عمد ناشی از رانندگی بدون پروانه
- ✓ فروش مال امانی (انتقال مال از طریق خیانت در امانت)
- ✓ کلاهبرداری با استفاده از سند مجعول
- ✓ ترک انفاق زن و فرزند (رای وحدت رویه)
- ✓ سرقت کتیبه منقوش با تخریب آن

نکته :

- ✓ در جمع بین سرقت حدی و غیر حدی ، فقط سرقت حدی اجرا می شود.
- ✓ در جمع بین حد اعدام و حبس ، فقط اعدام اجرا می شود.
- ✓ در جمع بین حد اعدام و تبعید ، اعدام اجرا می شود.
- ✓ در جمع چند جرم در راستای هم در یک واقعه ، باعث اجرای مجازات اشد می شود مثل تفخیز و لواط که فقط مجازات لواط اجرا می شود.
- ✓ تعزیر درجه ۷ و ۸ مشمول قواعد تعدد و تکرار جرم نیست (فقط برای جرایم تعزیری ۱ تا ۶ است). در تعزیر ۷ و ۸ فقط مجازات ها جمع می شود
- ✓ جعل و استفاده از سند مجعول تعدد مادی است. اما استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری تعدد معنوی است.
- ✓ در تعدد ارتکاب زنا توسط یک مرد و زن با یکدیگر به نحوی که مستوجب اعدام و جلد یا رجم باشد ، فقط اعدام اجرا می شود.
- ✓ اگر مجموع جرایم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه داشته باشد مقررات تعدد جرم اعمال نمی شوی و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می شود مانند سرقت توام با آزار و اذیت نهب و غارت خشک کردن باغ با سرقت آب
- ✓ اعمال مشدده و مخففه می توانند با هم جمع شوند :
- اگر مجازات دارای حداقل و حداکثر باشد : دادگاه با احراز جهات تخفیف تا میانگین حداقل و حداکثر تخفیف می دهد
- اگر مجازات دارای حداقل و حداکثر نباشد : دادگاه با احراز جهات تخفیف می تواند مجازات مرتکب را تا نصف حداقل تقلیل دهد.
- ✓ رای وحدت رویه : وقتی اوراق جعلی متعدد باشد ولو اینکه همه ی آنها مربوط به یک موضوع یا یک معامله باشند بزه متعدد محسوب می شود.
- ✓ رای وحدت رویه : کارمندی که در آن واحد از سه نفر رشوه گرفته است این تقارن زمانی موجب عدم رعایت تعدد جرم نخواهد شد.
- ✓ در صورت جمع مجازات های حدی و قصاص در موارد زیر اولویت با اجرای است.
- ✓ الف) مجازات حدی موضوع قصاص را از بین ببرد مثلا مجازات حدی قطع ید سارق است و او همزمان برای ارتکای جنایت محکوم به قطع دست نیز شود در این حالت اجرای مجازات حدی موضوع قصاص را از بین می برد.
- ✓ ب) مجازات حدی موجب تاخیر در اجرای قصاص گردد مثلا یکی از مجازات های محاربه نفی بلد است . در صورت نفی بلد مجازات قصاص نفس به تاخیر می افتد.

✓ ج) در موارد زیر اولویت اجرای مجازات قصاص ساقط و مجازات حدی اجرا می شود :

✓ ۱) عدم مطالبه فوری اجرای قصاص چون حد باید فوراً اجرا شود.

✓ ۲) گذشت مجنی علیه و یا اولیا دم او

✓ ۳) تبدیل مجازات قصاص به دیه

✓ در نتیجه : اصولاً و قاعده در تعدد جرایم موجب حد و قصاص جمع مجازات هاست.

✓ در جمع بین مجازات های حدی و قصاصی با تعزیر ، اولویت با اجرای مجازات های حدی و قصاصی است. تنها استثنای این مورد که در آن صورت ابتدا مجازات تعزیری اجرا می شود حالتی است که مجازات حدی یا قصاصی مستوجب سلب حیات باشد و مجازات تعزیری نیز حق الناسی یا تعزیر معین شرعی باشد و این مجازات تعزیری موجب تاخیر در اجرای حد نشود.

مواد قانونی تعدد جرم

ماده ۱۳۱. در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می شود.

نکات :

۱. مقررات تعدد جرم نسبت به بزهکاری اعمال می شود که مرتکب جرایمی در فواصل زمانی مختلف شده است اما به هر علتی در مورد آنها رسیدگی کامل صورت نگرخته و حکم قطعی لازم الاجرا برای بزهکار صادر نشده است.

۲. این ماده اشاره به تعدد معنوی یا روانی دارد (تعدد جرم به تعدد مادی و معنوی و جرایم ارتكابی دارای عنوان قانونی خاص قابل تقسیم است).

۳. این ماده مختص تعزیرات است.

۴. مصادیقی از تعدد معنوی را در بالا گفتیم.

۵. مجازات تعدد معنوی جرم ، مجازات اشد است.

ماده ۱۳۲_ در جرائم موجب حد، تعدد جرم موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتكابي و نیز مجازات آنها یکسان باشد.

تبصره_ چنانچه مرتكب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محكوم گردد، تنها اعدام اجراء خواهد شد.

تبصره ۲: چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشد، فقط مجازات اشد اجرا می شود مانند تفخیز هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجرا می شود.

تبصره ۳: اگر مرد و زنی چند بار مرتكب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام، جلد و یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجرا می شود.

تبصره ۴: چنانچه قذف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مجازات اجرا می گردد.

نکات:

۱. صدر ماده اشاره به تعدد مادی از نوع جرایم مختلف دارد. مثلاً کسی که مرتكب زنا و قذف شود. اما ذیل ماده اشاره به تعدد مادی از نوع جرایم یکسان را دارد مثلاً کسی که چند مرتبه مرتكب زنا شود. پیرامون قسمت اخیر شرط یکسان بودن مجازات نیز ذکر شده است. قید این شرط به خاطر این است که در برخی جرایم حدی با توجه به کیفیات جرم ارتكابي شارع مجازات های گوناگونی را در نظر گرفته است مثلاً برای محصن بودن زانی یا زانیه مجازات سنگسار را در نظر گرفته است و اگر به عنف باشد زانی به اعدام محوم می شود. با این حال باید به استثنای تبصره ۳ نیز توجه نمود که در صورتی که زانی و زانیه واجد باشند مجازات متعدد، در این حالت تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجرا می شود.

۲. تبصره ۲ این ماده استثنایی بر صدر ماده تلقی می شود چرا علی رغم اینکه جرایم و مجازات ها متفاوتند فقط مجازات جرم اشد اعمال میشود.

۳. تبصره ۱ ماده تکلیف موردی را مشخص نکرده که در میان مجازات های متعدد حد اعدام باشد که در این صورت فقط اعدام اجرا می شود.

۴. در خصوص تبصره ۴ به مواد ۲۵۶ تا ۲۵۸ نیز مراجعه کنید.

ماده ۱۳۳_ در تعدد جرائم موجب حد و قصاص، مجازات ها جمع خواهد شد. لکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجراء قصاص گردد، اجراء قصاص، مقدم است و در صورت عدم مطالبه فوری اجراء قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجراء می شود.

نکات :

۱. قصاص مذکور در ماده شامل قصاص نفس و عضو می شود.
۲. در صورت جمع مجازات های حدی و قصاص در موارد زیر اولویت با اجرای است. الف) مجازات حدی موضوع قصاص را از بین ببرد مثلاً مجازات حدی قطع ید سارق است و او همزمان برای ارتکای جنایت محکوم به قطع دست نیز شود در این حالت اجرای مجازات حدی موضوع قصاص را از بین می برد.
- ب) مجازات حدی موجب تاخیر در اجرای قصاص گردد مثلاً یکی از مجازات های محاربه نفی بلد است . در صورت نفی بلد مجازات قصاص نفس به تاخیر می افتد.
- ج) در موارد زیر اولویت اجرای مجازات قصاص ساقط و مجازات حدی اجرا می شود :

۱) عدم مطالبه فوری اجرای قصاص چون حد باید فوراً اجرا شود.

۲) گذشت مجنی علیه و یا اولیا دم او

۳) تبدیل مجازات قصاص به دیه

در نتیجه : اصولاً و قاعده در تعدد جرایم موجب حد و قصاص جمع مجازات هاست.

ماده ۱۳۴ -

الف) در جرائم موجب تعزیر هرگاه جرائم ارتكابي بیش از سه جرم نباشد دادگاه برای هر يك از آن جرائم حداکثر مجازات مقرر را مورد حکم قرار می دهد و هرگاه جرائم ارتكابي بیش از سه جرم باشد، مجازات هر يك را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی تعیین می کند، بدون این که از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز کند. در هر يك از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیر قابل اجراء شود، مجازات اشد بعدی اجراء می گردد.

ب) در هر مورد که مجازات فاقد حداقل و حداکثر باشد، اگر جرائم ارتكابي بیش از سه جرم نباشد تا يك چهارم و اگر جرائم ارتكابي بیش از سه جرم باشد تا نصف مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه می گردد.

تبصره ۱ - در صورتی که از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، برابر مقررات فوق عمل خواهد شد.

تبصره ۲ - در صورتی که مجموع جرائم ارتكابي در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نشده و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می گردد.

۱. تعدد مندرج در ماده تعدد مادی یا واقعی است و عبارتست از اینکه مجرم مرتکب دو یا چند عمل مجزا و جداگانه گردد که هر یک به تنهایی عناصر جرم را در خود جمع می کنند خواه جرم به طور کامل واقع شود یا خیر مانند سرقت و شروع به کلاهبرداری.

۲. در تعدد مادی ، فعل متعدد و نتایج هم متعدد است.

۳. مجازات تعدد مادی در جرایم مستوجب تعزیر ، به صورتی که در درس نامه گفتیم محاسبه می شود.

۴. مقررات تعدد جرم در تعزیرات درجه هفت و هشت اعمال نمی شود. با توجه کبه اینکه این مجازات ها با هم و نیز با مجازات های تعزیری درجه یک تا شش جمع می شوند در مورد آنها قانونگذار قاعده جمع مجازات ها را پذیرفته است.

۵. آنچه که مقدمه ی جرم دیگری قرار می گیرد تعدد جرم ایجاد نمی کند و به حکم قانون نادیده گرفته می شود به طور مثال هتک حرمت منزل جرم مستقل است ولی برای جرم سرقت از منزل دیگری ، مقدمه قرار می گیرد و در تعدد جرم نادیده گرفته می شود.

ماده ۱۳۵ _ در تعدد جرائم موجب حد و تعزیر و نیز جرائم موجب قصاص و تعزیر مجازاتها جمع شده و ابتدا حد یا قصاص اجراء خواهد شد مگر حد یا قصاص، سالب حیات و تعزیر، حق الناس یا تعزیر معین شرعی باشد و موجب تأخیر اجراء حد نیز نشود که در این صورت ابتدا تعزیر اجراء می گردد.

تبصره : در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیر حدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا ، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می شود و مجازات تعزیری ساقط می گردد مگر در حد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام به دیگری باشد ، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می شود.

نکات :

۱. در جمع بین مجازات های حدی و قصاصی با تعزیر ، اولویت با اجرای مجازات های حدی و قصاصی است. تنها استثنای این مورد که در آن صورت ابتدا مجازات تعزیری اجرا می شود حالتی است که مجازات حدی یا قصاصی مستوجب سلب حیات

باشد و مجازات تعزیری نیز حق الناسی یا تعزیر معین شرعی باشد و این مجازات تعزیری موجب تاخیر در اجرای حد نشود.

۲. تبصره ماده در واقع استثنای بر خود ماده است چرا که به موجب صدر ماده در تعدد جرایم موجب حد و تعزیر قاعده جمع مجازات هاست. در مورد مذکور در تبصره، با اینکه یک جرم حدی و دیگری تعزیری است و قاعدتا باید مجازات ها جمع شوند ولی به دلیل اینکه جرایم از یک جنس هستند فقط مجازات حدی اجرا میشود ولی در قذف چنین استثنایی مطرح نشده است و قاعده صدر ماده اجرا می گردد.

درس نامه

تکرار جرم

تکرار جرم را در دو دسته جرایم بررسی می کنیم :

۱. در تعزیرات

۲. در حدود

تعریف تکرار جرم در تعزیرات : زمانی که برای بزهکار در خصوص جرمی تعزیری حکم محکومیت قطعی صادر شد و او دوباره بعد صدور محکومیت قطعی ، مرتکب جرم تعزیری گردید. مثلا حسن به دلیل سرقت محکومیت قطعی گرفته است و حال دوباره سرقت یا خیانت در امانت و ... می کند، مشمول قواعد تکرار جرم میشود.

نکته : تکرار از عوامل عام مشدده کیفری است.

دقت کنید قواعد تکرار جرم برای جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۶ است.

پس در تکرار جرم تعزیری ، معیار جرایمی که لحظه **بعد از صدور حکم قطعی** در مورد جرم قبلا انجام شده صورت می گیرد.

مجازات تکرار جرم در تعزیرات : یعنی الف یک جرم تعزیری درجه ۱ تا ۶ کند و پس از آنکه برایش حکم محکومیت قطعی صادر شد دوباره جرم تعزیری ۱ تا ۶ دیگری کند حال قواعد تکرار جرم بر وی بار می شود :

دقت کنید که تعزیر درجه ۷ و ۸ شامل قواعد تعدد و تکرار نمی شود.

حال مجازات فرد چگونه محاسبه می شود :

حداکثر مجازات فرد + تا یک و نیم برابر آن

مثال حسن بعد محکومیت قطعی اش به سرقت ، کلاهبرداری کرده است :

اول می بینیم حداکثر مجازات کلاهبرداری ساده چقدر است ؟ ۱ تا ۷ سال است

سپس تا یک و نیم برابر یعنی تا ۳,۵ سال می توانیم به این ۷ سال اضافه کنیم.

یعنی تا ده سال و نیم.

نکته مهم : تکرار در جرایم سیاسی و مطبوعاتی و جرایم اطفال و تعزیر ۷ و ۸ اجرا نمی شود.

نکته : اگر جرمی که محکومیت قطعی برایش صادر شد مشمول مرور زمان شد یا اعاده حیثیت از آن رخ داد و پس از آن مجرم جرم دیگری انجام داد به خاطر آن مرور زمان یا اعاده حیثیت مشمول قواعد تکرار جرم نمی شود.

تعریف تکرار جرم در حدود : مبدا تکرار جرم در حدود برخلاف تعزیرات ، **اجرای مجازات** است یعنی اگر حسن شراب خورد و حد را بر او جاری کردیم و سپس زنا کرد مشمول قواعد تکرار می شود.

نکته مهم : هرگاه بزهکار برای ۳ بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد بر او جاری گردد ، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.

مثال ، حسن شراب خورد ، شلاق را برای او اجرا کردند.

حسن دوباره شراب خورد ، شلاق را برای او اجرا کردند.

حسن دوباره شراب خورد ، دفعه سوم هم به او شلاق زدند.

حسن دفعه ی چهارم شراب خورد ، این دفعه او را اعدام می کنند.

دقت کنید : جرم بزهکار در هر ۴ دفعه باید یک نوع باشد .

نکته: عوامل مشدده و مخففه مجازات با هم جمع می شوند.

اما اگر مرتکب بیش از سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر آن داشته باشد ، مقررات تخفیف اعمال نمیشود. (دقت این ماده در مورد تعدد جرم وجود ندارد).

- تا چه حد با وجود عوامل مشدده میشود تخفیف داد : عینا مانند تعدد جرم : اعمال مشدده و مخففه می توانند با هم جمع شوند :

اگر مجازات دارای حداقل و حداکثر باشد : دادگاه با احراز جهات تخفیف تا میانگین حداقل و حداکثر تخفیف می دهد

اگر مجازات دارای حداقل و حداکثر نباشد : دادگاه با احراز جهات تخفیف می تواند مجازات مرتکب را تا نصف حداقل تقلیل دهد.

نکته : ماده صرفا در خصوص جرایم تعزیری است.

مواد قانونی تکرار جرم

ماده ۱۳۶ _ هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.

نکته :

۱. در قانون قدیم ، برای شرب مسکر در بار سوم مجازات اعدام پیش بینی شده بود اما در قانون جدید حکم کلی اعدام در مرتبه چهارم است.

۲. بعد از ارتکاب هر بار جرم حدی ، باید مجازات اجرا شده باشد تا در مرتبه چهارم حکم اعدام داده شود.

۳. ملاک تشدید مجازات در تکرار جرم حدی ، اجرای مجازات در مرتبه سوم است. در ماده ۱۳۶ قانونگذار در جرایم حدی ، برخلاف جرایم تعزیری ، تکرار جرم را فقط در

یک نوع جرم مشمول تشدید مجازات دانسته است که به آن تکرار جرم خاص نیز می گویند.

ماده ۱۳۷_ هر کس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازاتهای تعزیری از درجه یک تا شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجراء مجازات مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یکونیم برابر آن محکوم می شود.

نکته :

۱. در تکرار جرم تعزیری ، ملاک تکرار جرم ، اجرای کامل مجازات نیست ، بلکه مبدا ، جهت اعمال مقررات تکرار جرم ، تاریخ قطعیت حکم است.

۲. مرتکب زمانی مشمول ماده است که به موجب حکم قطعی ، به یکی از مجازات های تعزیری درجه یک تا شش محکوم و از تاریخ قطعیت حکم مجدداً مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری شود. بنابراین مقررات تکرار جرم تنها در خصوص جرایم تعزیری از درجه یک تا شش اعمال خواهد شد.

۳. در تکرار جرم هرگاه فاصله ای که بین محکومیت اول و ارتکاب جرم ثانی وجود دارد ، برای تشدید مجازات مرتکب لحاظ نگردد و همواره مجازات مرتکب تشدید شود ، اثر تکرار جرم همیشگی و دایمی است ؛ هرگاه تا فاصله ی معینی بعد از محکومیت اول تکرار جرم موجب تشدید گردد اثر تکرار جرم موقتی است.

قانونگذار دوره زمانی تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات را لازمه و شرط اعمال مقررات تکرار جرم تعزیری قرار داده است. از این رو اثر تکرار جرم در جرایم تعزیری بر خلاف قانون سابق که دایمی و همیشگی بوده به صورت موقت مقرر شده است.

۴. برای تحقق تکرار جرم لازم نیست محکوم علیه مرتکب جرمی نظیر جرم اولیه یا جرم مشابه شده باشد.

۵. در تکرار دادگاه مکلف به تشدید مجازات است.

۶. حکم ماده مربوط به جرایم عمومی است. بنابراین پیشینه محکومیت متهم به فرار از خدمت سربازی را نمی توان پیشینه کیفری و موثر در تشدید مجازات دانست.

ماده ۱۳۸_ مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال اعمال نمی شود.

نکته :

۱. ماده فوق در خصوص عدم شمول مقررات تکرار جرم اطلاق دارد و جرایم مذکور با هر میزان مجازاتی از شمول تکرار جرم خارج هستند. به نظر می رسد غلت اینکه مقررات تکرار جرم در خصوص جرایم سیاسی ، مطبوعاتی و جرایم اطفال اعمال نمی شود ، این است که به لحاظ قانونی ارتکاب چنین جرایمی برای افراد سابقه ی کیفری محسوب نمی گردد ، چرا که قانونگذار به صراحت در ماده ۹۵ محکومیت کیفری اطفال و نوجوانان را فاقد آثار کیفری دانسته است.

ماده ۱۳۹_ در تکرار جرائم تعزیری در صورت وجود جهات تخفیف به شرح زیر عمل خواهد شد:

۱_ چنانچه مجازات قانونی دارای حداقل و حداکثر باشد، دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر مجازات تقلیل دهد.

۲_ چنانچه مجازات ثابت یا فاقد حداقل باشد، دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا نصف مجازات مقرر تقلیل دهد.

تبصره_ چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف قابل اعمال نخواهد بود.

نکات :

۱. بر خلاف قانون قدیم ، قانون جدید ، صراحتاً امکان تخفیف را برای دادگاه در صورت وجود جهات تخفیف در تکرار جرم پیش بینی نموده است.

۲. ماده صرفاً در خصوص جرایم تعزیری است.

۳. چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف قابل اعمال نخواهد بود ، لذا تخفیف مجازات در تکرار جرایم تعزیری بدون قید و شرط نبوده و بلکه باید از سه فقره سابقه محکومیت قطعی کیفری مشمول مقررات تکرار جرم را داشته باشد.

و من الله توفیق.

